

تجلیغ بنی آراء. ابو الحسن

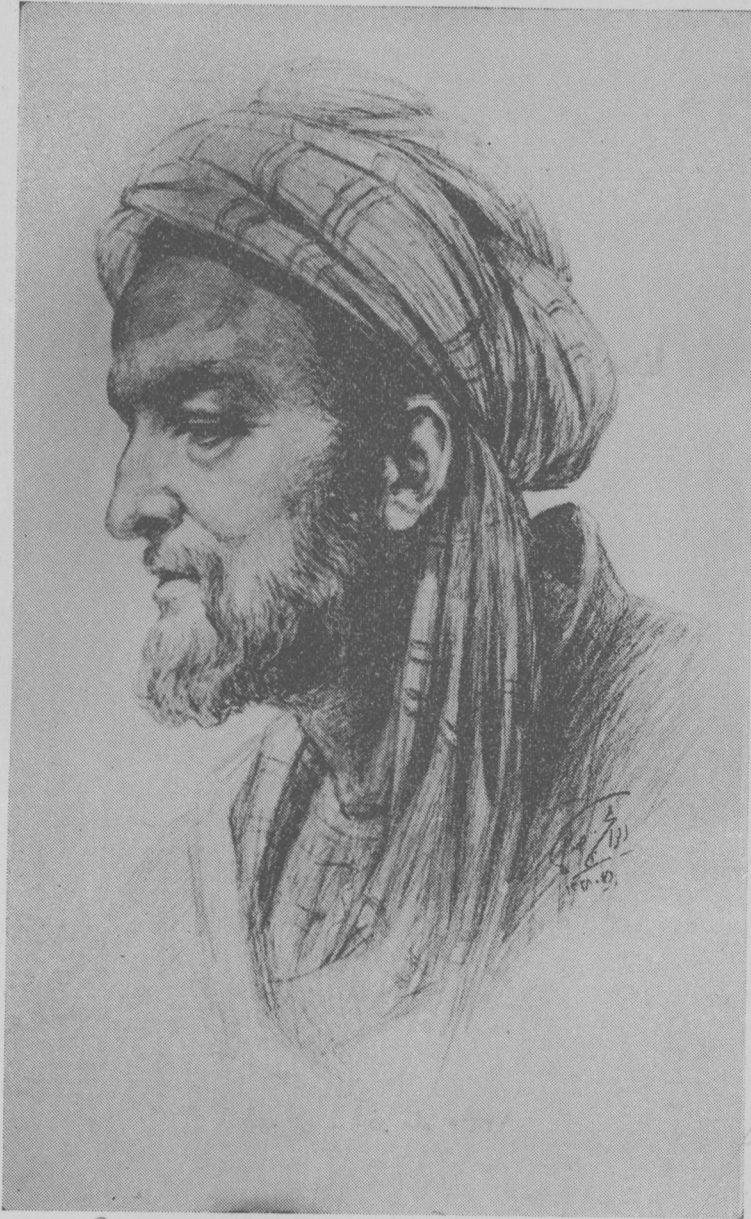
از انتشارات مجله یغما

تاریخ بنای آرامگاه حکیم ابوعلی سینا

اثر:

علی اصغر حکمت

طهران - آذر ماه ۱۳۳۰



تصویر ابوعلی بن سینا . (بتصویر انجمن آثار ملی) اثر خامه ابوالحسن صدیقی

تاریخ بنای آرامگاه حکیم ابوعلی سینا

زالوند (۱) است تابان تا فروغ بوعلی سینا (۲) ،
بتابد نور حکمت در جهان چون طور در سینا (۳) .

پی افکند از خردکیشی و هم از دانش آئینی (۴)
که جاوید است در گیتی ، زهی کیشا و آئینا !

شفائی (۵) غیر قانونش (۶) نیابد خاطر خسته
نجاتی (۷) جز اشاراتش (۸) نبیند دیده بینا :

نبیند دیده بینا حکیمی همچو او دانا (۹) ،
بروی مسند دانش ، بزیر قبه مینا (۱۰) !

عیان شد لطف یزدانش (۱۱) ، نهان شد دیو از جانش ،
بلندی یافت ایوانش بطغرای « و آئینا (۱۲) »

رقم زد کلك حکمت در هزارم سال میلادش (۱۳)
که : « ماند این کاخ پاینده بفر بوعلی سینا . » (۱۴)

۱۳۷۰

حواشی

۱- **الوند** . نام رشته کوهی است در مغرب و جنوب غربی شهر همدان ، که بلندترین قله آن ۳۷۰۰ متر ارتفاع دارد ، از کوههای معروف و تاریخی ایران است . یاقوت در معجم البلدان و مستوفی در تزهة القلوب از آن یاد کرده اند . در زمان دیرین « اروند » تلفظ میشده (Aruanda) در لغت اوستا و پهلوی و کتابهای مورخین یونانی و آن بمعنی « تند و نیرومند » باشد .

باباطاهر همدانی در دو بیتی های خود بر آن کوه نغمه سرائی کرده و گفته :

« کلی کشتم پی اروند دامان اوشُ از دیده دادُم صبح وشامان

بوقت آنکه بویش و اُمو آید برد بادش بره سامان بسامان »

و نیز گفته :

« همه عالم پر از کرده چه واجم چو مودلها پیر از درده چه واجم ؟ !
چو سنبل کشته بیم دامان اروند اونم از طالع زرده چه واجم ؟ !

و باز گفته است :-

گرم رانی ورم خوانی ته زانی ورم آخر بسوزانی ته زانی
ورم بر سر نهی اروند و میمند نمیوازم خدا زانی ته زانی !

ذکر الوند در مطلع قطعه ، اشاره است بمدفن ابوعلی سینا که در همدان قرار دارد . ابو عبید جوزجانی تلمیذ شیخ در رساله که بنام « سرگذشت » در تاریخ زندگانی استاد خود نگاشته گفته است : « دُفِنَ بهمدان وقبره تحت السور من جانب القبلة من همدان » .
(تتمه صوان الحکمة - طبع لاهور ص ۵۸)

ازین رساله نسخه ای کهنسال در کتابخانه دانشگاه استانبول موجود است که بتاریخ ۵۸۸ هـ . کتابت شده و یکی از قدیمترین اسنادی است که ذکر مدفن شیخ را مینماید ، و سال مذکور از تاریخ تألیف کامل التواریخ « ابن الاثیر » (که مدفن شیخ را در اصفهان ذکر کرده و در ۶۲۸ هـ تألیف شده) چهل سال قدیمتر است .

۲ - **بوعلی سینا . .** شیخ الرئيس شرف الملك ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا حکیم شهیر و فیلسوف بزرگ شرق - تولد او در دیه خرمیشتن از توابع بخارا در ماه صفر سال ۳۷۰ هـ ، و وفاتش در جمعه ۶ رمضان ۴۲۸ هـ در همدان اتفاق افتاده .
برای دانستن تفصیل احوال او نظر کنید به تتمه صوان الحکمة - تألیف علی بن زید البیهقی طبع لاهور ۱۹۳۵ ، اخبار العلماء باخبار الحکماء - تألیف جمال الدین علی القفطی طبع مصر ص ۲۶۸ ، دائرة المعارف الاسلامیة ، تاریخ ادبیات عرب تألیف بروکلیمان ، نامه دانشوران - طبع تهران ، و فیات الاعیان - تألیف قاضی ابن خلکان و غیره .

۳ - **طور در سینا . . .** سلسله کوهی در شبه جزیره سینا بقرب دریای احمر موجود است که در سالف ایام بنام « سینا » معروف بوده و در زمان حاضر آنرا « جبال الصفصاف » مینامند . دومیل طول آن است . یکی از قلل آن که « جبل موسی » نام دارد ظاهراً همان کوه طور است که در کتب مقدسه ذکر آن رفته - و در قرآن مجید

در ده آیه در سور مختلفه از آن ذکر شده و سورة الطور (سورة ۵۲) بنام آن است. و «طورسینا» و «طورسینین» در سورة المؤمنون و سورة التین آمده و آن کوهی است که گویند خداوند در آنجا بر موسی تجلی فرموده است. حیث یقول - «و نادیناه من جانب الطور الایمن و قربناه نجیاً».

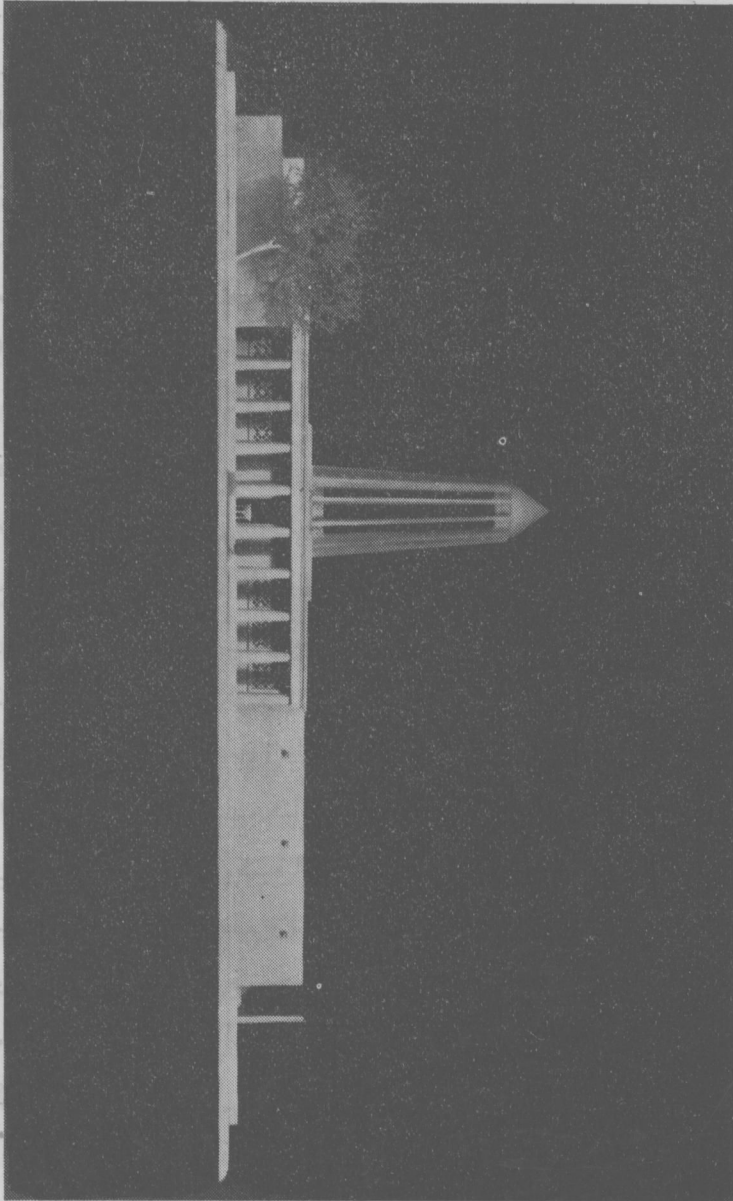
از شعرای پارسی زبان خواجه حافظ ذکر این کوه را بسیار کرده :

«شب تاراست وره وادی ایمن درپیش آتش طور کجا وعده دیدار کجاست»
ایضاً: «مددی گری چراغی نکند آتش طور چاره تیره شب وادی ایمن چکنم»
(۴) پی افکند از خرد کیشی و هم از دانش آئینی اشاره است به

مکتبی از فلسفه که ابوعلی بنیاد نهاد و آن باستواری و رزانت در طول قرون و اجیال ثابت و برقرار است. و اشارالشهرستانی فی ملله بشانه حیث قال: «وَ إِنَّمَا عَلَامَةُ الْقَوْمِ (فلاسفة الاسلام) أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِينَا وَقَدْ سَلَكَوا كُلَّهُمْ طَرِيقَةَ أَرِسْطَا طَالِيسَ فِي جَمِيعِ مَا ذَهَبَ إِلَيْهِ وَ انْفَرَدَ بِهِ سَوَى كَلِمَاتٍ يَسِيرَةٍ بَعْدَ رَأْوٍ فِيهَا رَأْيُ أَفَلَاطُونِ وَ الْمُتَقَدِّمِينَ - وَ لَمَّا كَانَتْ طَرِيقَةُ ابْنِ سِينَا أَذَقَّ عِنْدَ الْجَمَاعَةِ وَ نَظَرَهُ فِي الْحَقَائِقِ آغْوَصَ اخْتَرَتْ نُقْلَ طَرِيقَتِهِ مِنْ كُتُبِهِ ... لِأَنَّهَا عَيُونُ كَلَامِهِ وَ مَتُونُ مَرَامِهِ وَ اعْرَضَتْ عَنْ نُقْلِ طَرِيقِ الْبَاقِينَ وَ كُلِّ الصِّيدِ فِي جَوْفِ الْفَرَا ».

۵- شفائی ... ایهام است بکتاب شیخ در فلسفه موسوم به - الشفاء - و آن کتاب شامل چهار قسمت است: منطق، طبیعیات، الهیات، ریاضیات. و قسمت طبیعیات خلاصه است از فلسفه ارسطو. این اثر عظیم و مغلد را آن حکیم دانشمند در همدان در زمانی که متواری و پنهان بود شروع فرمود و آن مجموعه است از فلسفه «مشائین».

۶- قانونش ... ایهام است به کتاب کبیر او در طب موسوم به - القانون - که از اساتین کتب این علم و مشتمل بر مجلدات عدیده است و از هر دو قسم طب نظری و طب عملی بحث میکند، و پس از بیان کلیات احکام از ادویه مفردة و نیز از امراض طاریه بر اعضاء بدن انسان و ادویه مرگبه (قربادین) سخن میگوید. و این کتاب شهرت جهانی یافت و به لاتین ترجمه شد و در مدارس عالیة اروپا سالیان دراز تدریس می شد. نخستین بار در سال ۱۵۹۳ م. در شهر رم (ایتالیا) بطبع رسید.



آرامگاه بوعلی - نمای اصلی بطرف خیابان بوعلی (ماکت)

۷- نجاتی . . . ابهام است به کتاب دیگر شیخ در فلسفه موسوم به - النجاة - و آن در حقیقت خلاصه‌ایست از شفا و شامل منطق و طبیعیات و الهیات میباشد. این کتاب نیز اولین بار در سال ۱۵۹۳ م در رم بچاپ رسید.

۸- اشاراتش . . . این نیز ابهام است به کتابی دیگر از لطائف آثار آن حکیم موسوم به - الاشارات - که در اواخر عمر بعد از شفا و نجات تألیف فرمود و ظاهراً آخرین اثر فلسفی اوست مشتمل بر منطق و طبیعیات و الهیات و عرفان، و از حکمت افلاطونیه جدیده سخن میگوید، امام فخر رازی و خواجه نصیر طوسی آنرا شرح کرده‌اند و در تهران بطبع رسیده است.

۹- حکیمی همچو او دانا . . . عظمت ابوعلی در حکمت و فلسفه و طب هم از زمان حیات خود او آغاز شد و شهرتش جهانگیر گردید. سنائی که تقریباً ده سال بعد از وفات او در غزنین متولد شده با آنکه نظر خوشی بحکیم نداشته حصول مقام او را بدعا از خدا خواسته است و میگوید:

» بدل نندیشم از نعمت نه در دنیا نه در عقبی

همیخواهم بهر ساعت چه در سراجچه در ضرا

که یارب مر سنائی را سنائی ده تو در حکمت

چنان کز آن بر شک آید روان بوعلی سینا «

۱۰- قبه مینا . . . کنایه از آسمان است. و قبه بنائی است که سقف آن مستدیر و مقعر باشد و آن بمعنی و شاید معرب - گنبد - فارسی است. و مینا بمعنی آبگینه - یا - آبگینه کبود - یا - آبگینه ملون - باشد. جهانگیری این رباعی را در معنای مینا به آبگینه باستشهاد آورده که منسوب بسultan ابو سعید ابوالخیر است:

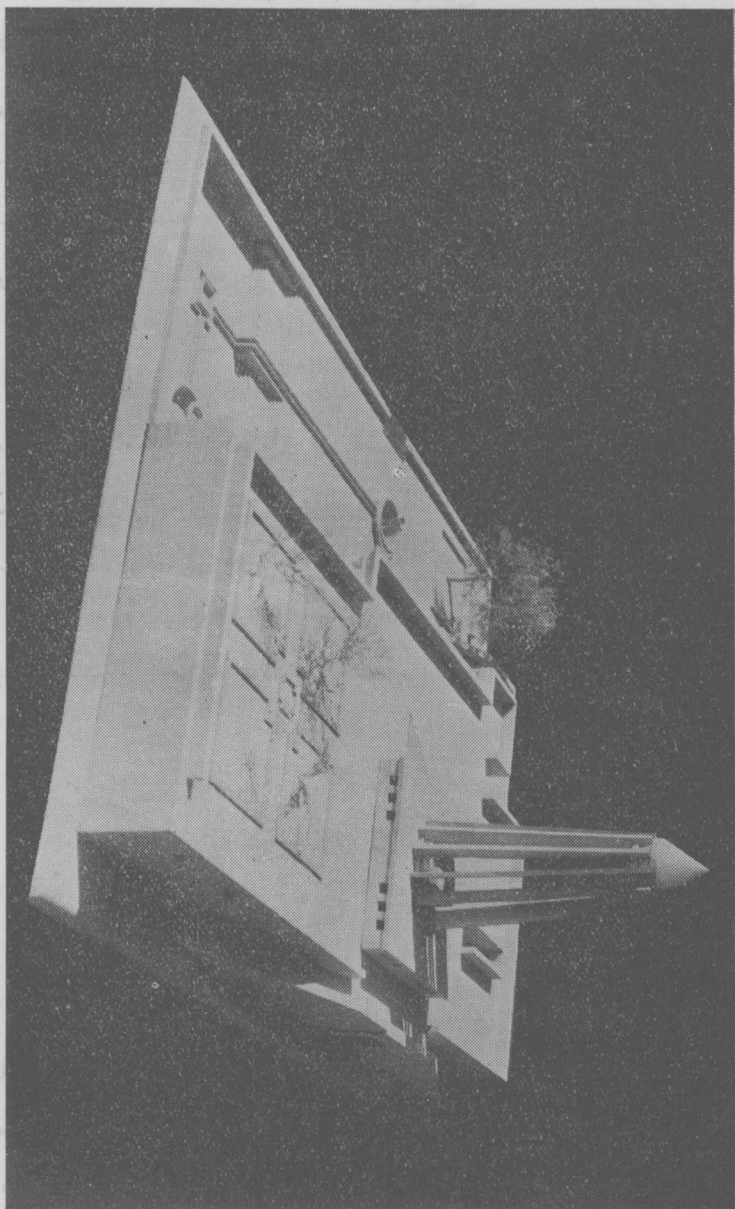
» من دوش دعا کردم و باد - آمینا تا به شود آن دو چشم - بادامینا

از دیده بد خواه ترا چشم رسید در دیده بد خواه تو بادا - مینا «

و بمعنی آبگینه رنگا رنگ سنائی گفته است:

» تو پنداری که بر بازی است این میدان چون مینو

تو پنداری که بر هرزه است این ایوان چون مینا «



آرامگاه بوعلی - منظره عمومی بنا عکس هوایی (ماکت)

دائرة مینا و گنبد مینا : باز کنایه است از آسمان . حافظ گوید :

« زین دایره مینا خونین جگرم می ده تا حل کنم این مشکل در ساغر مینائی »
قاآنی گوید :

« دوش که این کرد کرد گنبد مینا آبله کون شد چو چهر من ز نریا »
و مینا ماده است براق و شفاف که از شیشه گداخته و فلزات الوان (اکسید پتاسیوم و سودیوم ، و اکسید های فلزی) بصنعت روی شیشه یا فلز طلا به می کنند و در آن نقش و نگار های بدیع و زیبا بعمل می آورند و آن ماده را بفرانسه « Email » و بانگلیسی « Enamel » و عبری با اقتباس از کلمه فارسی « المینا » گویند ، و صانع این عمل را مینا گر - نامند . مولوی فرماید :

« اینچنین مینا گر بها کار تست اینچنین اکسیرها اسرار تست »

۱۱ - عیان شد لطف یزدانش . . . لطف از صفات ذات الهی است و در قرآن مجید مکرر آمده است که « ان الله لطیف خیر » و « الله لطیف بعباده » و متکلمین را در باب - لطف - مباحث و سخنان بسیار است و آنرا چنین تعریف کنند :

« اللطف ما یقرّب العبد الی الطاعة و یبعده عن المعصية . لطف آن است که بنده را بطاعت و بندگی نزدیک فرماید و از سر پیچی و عصیان دور سازد . و گویند نفوس طیبیه خاصان درگاه مشمول لطف الهی شوند . و در این بیت اشاره است بمقام علوی روان شیخ رئیس و عنایات الهی که شامل احوال او گردید .

۱۲ - بطغرای و آئینا . . . اشاره است به آیه مبارکه « و آئیناه الحکمة و فصل الخطاب » سورة ۳۸ آیه ۲۰ که در خور است با مقام ابوعلی در حکمت و منطق . در قرآن مجید در ۱۴ موضع کلمه « آئیناه » وارد است که غالب آنها با مقصود و مقام متناسب هینماید ، مانند :

و آئیناه فی الدنیا حسنة و فی الآخرة لمن الصّالحین النحل ۱۶/۱۲۲
و لقد آئیناه لقمان الحکمة . . . لقمان ۳۱/۱۲
و آئیناه رحمة من عندنا الکهف ۱۸/۶۵
و لما بلغ اشدّه واستوی آئیناه حکماً و عدلاً القصص ۲۸/۱۴
و آئیناه الحکم صبیّا مریم ۱۲/۱۹

انوری در قطعۀ که در ستایش ابوعلی سروده و از فقیهی که بآن حکیم معترض بوده مذمت کرده از قرآن مجید کلمۀ شریفۀ « ولوشنا » را اقتباس و در قافیه مندرج ساخته و ظاهراً آیۀ مبارکۀ « ولوشنا لا یتینا کل نفس هداها » را در نظر داشته است .
 قطعۀ انوری و همچنان قطعۀ که در جواب او یکی از اهل ظاهر ساخته است چون با موضوع کلام بی رابطه نیست هر دو در اینجا یادداشت میشود:

« دیده جان بو علی سینا	بود از نور معرفت بینا
سایۀ آفتاب حکمت او	تافت از مشرق « ولوشنا »
جان موسی صفات او روشن	بتجلی و شخص او سینا
ای سفیه فقیه نام تو کی	باز دانسی زمرد از مینا
در نک چاه جهل چون مانی	مسکن روح قدس، مسکینا!

در جواب او گفته اند :

« انوری چون خدای راه نمود	مصطفی را بنور « لوشنا »
برد قدرش بدولت فرقان	پای بر فرق گنبد مینا
نور عرش بعرش سایه فکند	چون تجلی بسینۀ سینا
مسکن روح قدس شد دل او	نی دل تنگ بوعلی سینا
سخن از شرع دین احمد گوی	بیدلا ابله و بیدینا !
چشم در شرع مصطفی بگشای	گر نمی تو بعقل نابینا »

این قطعۀ نیز از انوری است :

نگر تا خلقۀ اقبال نا ممکن نجبنایی	سلیمان ابله ! لا بل که محروما و مسکینا !
سنائی گر چه از وجه مناجات او همیگوید :	بشعری در زحرس آنکه یابد دیدۀ بینا
که یارب هر سنائی را سنائی ده تو در حکمت	چنان کز وی بر شک آید روان بوعلی سینا
ولیکن از طریق آرزو پختن خرد داند	که با بخت زمرد بر نیاید دیدۀ مینا
برو جان پدر تن در مشیت ده که دیر افتد	زیأ جوج تمتی رخنه درسد « ولوشنا »
با استعداد یابد هر که از ما چیز کی یابد	نه اندر بدو فطرت پیش ازین کان الوری طینا

۱۳ - در هزارم سال میلادش . . . چون سال هجرت به ۱۳۷۰ قمری رسید

و هزار سال درست از ولادت با سعادت آن حکیم بزرگوار بگذشت . دانایان ایران به تجلیل قدر و تعظیم شأن او برخاستند و **انجمن آثار ملی** بنام وی بر سر تربت او در دامن الوند بنائی منیع و گنبدی رفیع (بسبک و طرز گنبد قابوس که مدفن امیر معاصر وی قابوس و شمگیر زیاری است) برافراشتند که هم در این ایام فرخنده فرجام بسعی و اهتمام این بنده رهی به پایان رسید، و بیاد بود سالگه هزارمین میلاد او بر عرصه جهان یادگار است .

۱۴ - نویسنده این سطور را در یکی از لیالی ذیحجه الحرام ۱۳۷۰ که مقارن با اختتام گنبد او بود بخاطر گذشت که برسم گویندگان ماده تاریخی مشتمل بر سال بنای آن مقبره عظیم بنظم آورد، ناگهان از برکت فیض قدسی و به تأیید روح علوی آن حکیم این چند کلمه: « ماند این کاخ پاینده بفر بوعلی سینا » بر لوح دل طاری و بزبان قلم جاری گردید و از آن بحساب جل بی اضافه و نقصان عدد - ۱۳۷۰ - استخراج میشود . والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً . طهران - آذرماه ۱۳۳۰

